

مبنای شهید خمینی درباره ضمائر خطاب:

ایشان ابتدا ضمائر خطاب را به دو قسم تقسیم می‌کند. قسم دوم در کلام ایشان همان است که تحت عنوان حروف خطاب (ذلک) سابقاً مورد بحث واقع شد و لذاست که باید به عنوان اولین اشکال بر ایشان بگوییم که حروف خطاب، از «ضمائر خطاب» نیستند. ایشان درباره دسته اول می‌نویسد:

«و أما ضمائر الخطاب، فهي على صنفين: أولهما: ما هي موضوعة لاعتبار الخطاب، فيوجد بها الخطاب في الاستعمال، فلا تكون موضوعة لأنفس المخاطبين، حتى يكون من أسمائه تعالى كلمة «إياك» مثلاً، بل هي موضوعة - كأخواتها - للخطاب و المخاطبة، من دون كون المخاطب داخلاً في الموضوع له. فما عرفت من الأقوال في أسماء الإشارة، أت في الضمائر و الخطابات، و التحقيق في الكل: أن الموضوع له معنى اسمي كلي، و مصاديقه معان حرفية.»^۱

توضیح :

(۱) دسته اول از ضمائر خطاب، وضع شده اند برای «اعتبار خطاب» (یعنی برای ایجاد خطاب) و به وسیله آنها در ضمن استعمال، خطاب را ایجاد می‌کنیم.

(۲) این دسته برای نفس مخاطبین (مبنای امام) وضع نشده اند و الا از اسماء الهی، «ایاک» بود.

(۳) بلکه این دسته وضع شده اند برای ایجاد خطاب؛ و مخاطب در موضوع له داخل نیست.

(۴) پس آنچه درباره اسماء اشاره گفته شد [و ما هم تبعاً للامام پذیرفتیم] در این دسته از ضمائر می‌آید.

(۵) پس موضوع له در این دسته، معنای اسمی و عام است و مصادیق آن معنای حرفی است.

(۶) [مراد ایشان آن است که ما همانطور که گاه رویمان را به سمت کسی می‌کنیم و با او سخن می‌گوییم مثلاً در حالی که با کسی صحبت می‌کنیم، می‌گوییم «خیلی محبت کردی»، گاه به جای این مواجهه و خطاب خارجی، می‌گوییم: تو خیلی محبت کردی]

ما می‌گوییم :

(۱) چنانکه در اسماء اشاره گفتیم، اگر این دسته از ضمائر وضع شده اند به عنوان آلت خطاب، در این صورت اصلاً دارای معنی نیستند تا بگوییم اسمی است یا حرفی.

(۲) «خطاب تکوینی» عبارت است از اینکه شما کلام را متوجه کسی کنید گاه به شما می‌گویند «عباس دیروز رفت» و گاه می‌گوید «تو دیروز رفتی». این دو جمله از حیث اینکه شما مخاطب آنها هستید، فرقی ندارند. پس «تو» دخالتی در اینکه خطاب خارجی حاصل شود، نداشته است. پس «تو» پدید آورنده خطاب نیست.

(۳) خطاب تکوینی نمی‌تواند موضوع باشد و محمول خاصی را بر آن بار کرد و در جمله «خیلی محبت کردی» موضوع، خطاب خارجی تکوینی نیست، بلکه این جمله فعلیه است. در حالیکه «انت»، می‌تواند در جمله موضوع واقع شود: «انت قائم».

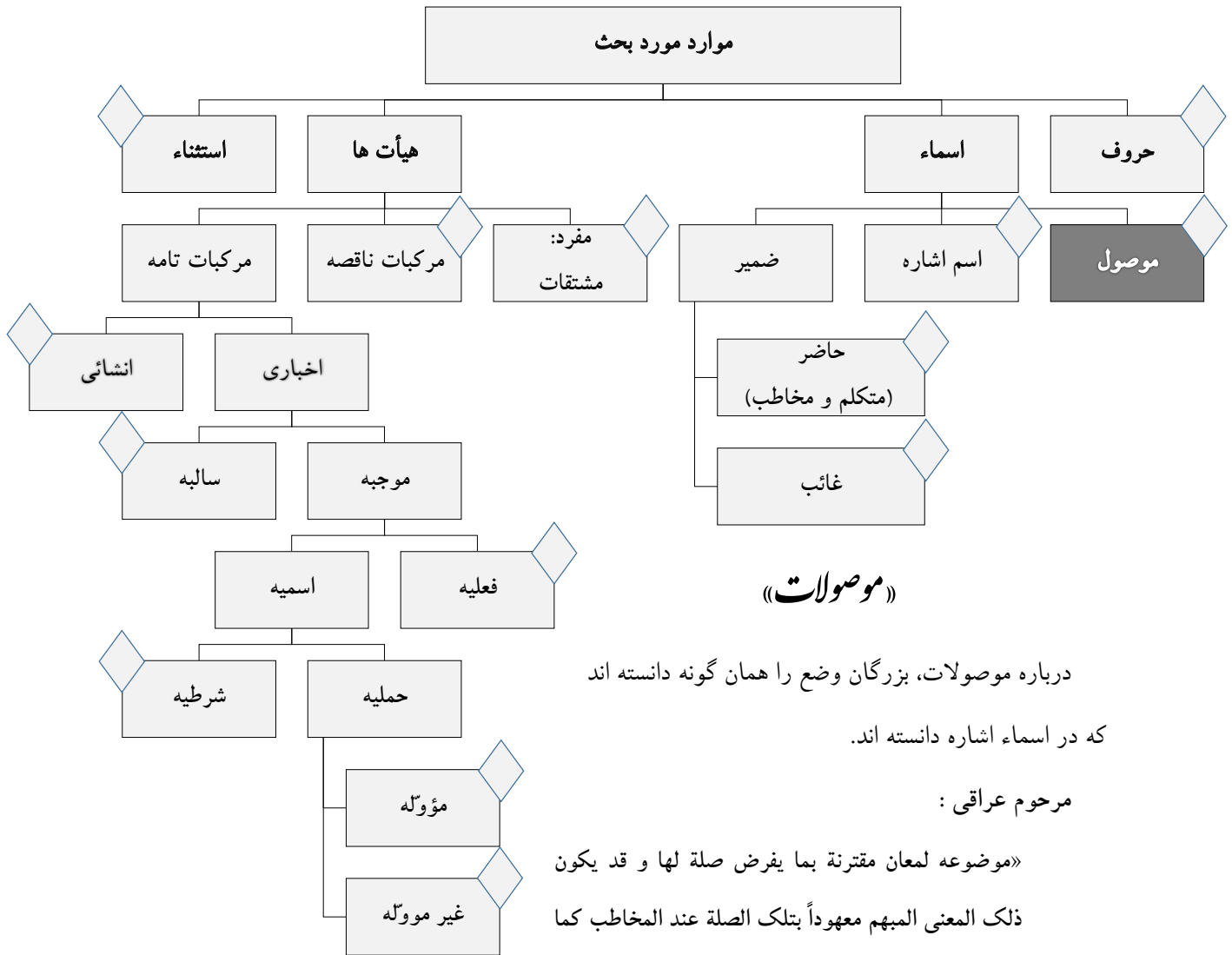
۱. تحریرات فی الاصول؛ ج ۱ ص ۱۳۴



جمع بندی بحث در ضمائر خطاب و متکلم :

ما در این بحث، همان برداشت تصحیح شده از فرمایش امام را اتخاذ می کنیم. پس: ضمائر مخاطب و متکلم وضع شده اند برای «مصادیق مخاطب و متکلم» اما نه برای وجود خارجی آنها بلکه برای «مفاهیم» آن وجود خارجی.

و نحوه وضع در آنها از نوع «وضع خاص؛ موضوع له خاص» است به این صورت که واضع در مقام وضع - مثلاً - مفهوم «کل موجود مخاطب» را لحاظ می کند و برای همان هم، لغت را قرار می دهد. در این جا مفهوم «کل وجود مخاطب»، مفهومی است که با آن تمام مصادیق موجود مخاطب را به نحو «قضیه حقیقه» لحاظ می کند. (راجع: درسنامه سال قبل)



«موصولات»

درباره موصولات، بزرگان وضع را همان گونه دانسته اند که در اسماء اشاره دانسته اند.

مرحوم عراقی :

«موضوعه لمعان مقترنة بما يفرض صلة لها و قد يكون ذلك المعنى المبهم معهوداً بتلك الصلة عند المخاطب كما تقول: جاء اليوم من رأيتَه أمس و قد لا يكون معهوداً بها كما تقول: «أكرم الذي يزورك»^۱»

۱. بدایع الافکار ؛ ج ۱ ص ۷۶



نکته : مرحوم شیخ محمد تقی بروجردی در «نهایة الافکار» - بر خلاف آنچه از متن بدایع الافکار خواندیم - تصریح

دارند که در موصولات باید «معهودیت» موجود باشد.^۱

